

آیا نظریه کینز یک نظریه عمومی بود؟

محمدرضا فرهادی پور

<http://www.Farhady.com>

«اقتصاد چگونه تاریخ را به دست فراموشی می سپارد؟» نام کتابی است از جفری هاجسون که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است. هاجسون در این کتاب بحث می کند که نظریه عمومی کینز یک نظریه عمومی کاملا درست نبوده است. البته جوزف شومپتر (۱۹۴۶) نیز این ادعا را خیلی پیشتر از هاجسون مطرح نموده و به درستی اشاره می کند که نظریه عمومی کینز به درستی یک نظریه عمومی نبود شومپتر معتقد است نظریه عمومی کینز سعی در استخراج سیاستهای مشخصی از نظریه ای دارد که مدعی است باید عمومی باشد، هاجسون و شومپتر هر دو معتقدند که نظریه کینز باید در یک موقعیت تاریخی خاص تحلیل شود. اما بر خلاف شومپتر، هاجسون اعتقاد دارد که نظریه تعادل عمومی - از نوع والرایی - نیز یک نظریه عمومی نیست، بدلیل اینکه همانطور که فرانک هان (۱۹۸۰) و دیگران بارها گفته اند تعادل عمومی والرایی پول و دیگر پدیده های پولی را در تحلیل خود نادیده می گیرد. همچنین بر خلاف شومپتر، هاجسون بر این نکته صحنه نمی گذارد که هر چقدر یک نظریه عمومی تر باشد لزوما نظریه بهتری هم خواهد بود.

اما پل دیویدسن (۲۰۰۴) مدعی است که هاجسون مفهوم نظریه عمومی را با تعادل عمومی به عنوان مادر نظریه های اقتصادی اشتباه کرده است. اما هاجسون معتقد است که دیویدسن کتاب او را نخوانده است، هاجسون می گوید من در کتابم اینگونه می نویسم که "نظریه تعادل عمومی موسوم به لئون والرایی، جرارد دبرو و دیگران یک نظریه تعادل عمومی نیست، چرا که این مدلها پول، تولید و سایر عوامل کلیدی را به حساب نمی آورند". اما دیویدسن برای اثبات مدعای خود به کتاب نظریه تعادل عمومی کینز رجوع می کند:

«من این کتاب را با تاکید بر مساله تعادل، نظریه تعادل عمومی اشتغال، بهره و پول می نامم، بحث من این است که اصول مفروض نظریه کلاسیک تنها برای یک حالت خاص مورد استفاده می باشد و جنبه عمومی ندارد. به هر حال، مشخصات حالت خاصی که توسط نظریه کلاسیک فرض شده است دقیقا مطابق با جامعه اقتصادی که ما در آن زندگی می کنیم، نیست و اگر ما سعی کنیم که نظریه نئوکلاسیک را برای حقایق تجربی بکار گیریم، این نظریه گمراه کننده و خطرناک خواهد بود» (کینز، ۱۹۳۶، ص ۳).

متأسفانه کینز به روشنی بیان نمی کند که از نظر او حالت عمومی چیست. اما صفحات بعدی کتاب کینز نشان می دهد که نظریه عمومی ابزاری است که می تواند برای طیف متنوعی از پدیده ها شامل اشکال دیگر نظام های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. هاجسون می گوید کینز مدعی است که نظریه او از عمومیت لازم برخوردار است و می تواند برای انواع متفاوتی از جوامع اقتصادی به کار گرفته شود البته با توجه به این فضیلت که بنیان کار او بر مبنای قوانین روانشناسانه قرار دارد.

کینز نظریه های کلاسیکی را که مدعی بودند بازارها شفاف بوده و اقتصاد به طور اتوماتیک به تعادل اشتغال کامل می رسد، مورد انتقاد قرار داد. اما هاجسون معتقد است صرفا این حقیقت که کینز به روشنی عدم تعادل و دیگر اشکال تعادل در شرایط اشتغال کامل را مورد بررسی قرار داد کافی نیست تا نظریه او به عنوان یک نظریه تعادل عمومی تلقی شود. سیستم های دیگری - مانند اقتصادهای بدون پول - وجود داشتند که در حقیقت جایی در تئوری کینز ندارند. به دلایل گوناگونی نظریه کلاسیک یک نظریه عمومی نیست، بخشی از آن بدلیل این است که این

نظریه فرض می کند که قیمت انعطاف پذیر است، شرایط عدم اطمینان را از تحلیل خود کنار می گذارد و نقش پول را به عنوان یک انباره ارزش در نظر نمی گیرد. در حالیکه کینز تعدادی از فروض نئوکلاسیک را حذف کرد، از سوی دیگر او نیز شرایط محدود کننده دیگری را اعمال کرد. برای مثال، او یک اقتصاد پولی بدون معاملات تهاتری گسترده و با هژمونی بازارهای سرمایه ای که به خوبی نیز توسعه یافته اند را در نظر می گیرد که در این اقتصاد پول نقش مهمی را ایفا می نماید. در حالیکه کینز نظریه خود را عمومی تر ساخت اما در عین حال خود نیز از عمومیت آن کاست. به طور کلی بسیار دشوار است که بگوییم نظریه کینز عمومی تر است یا نظریه کلاسیک؟ و اگر یک تئوری عمومی تر بود این امر لزوماً به معنای بهتر بودن آن است؟

همچنین کینز در تدوین نظریه خود چندان از منظر تاریخی به نهادهای اقتصادی خاص توجه نمی کند. اگر چه نهادهایی، مانند پیوند بازار سهام و شرکت سهامی، به طور غیر قابل اجتنابی وارد داستان کتاب او شدند، اما او کار خود را از نهادهای مختص جامعه سرمایه داری شروع نمی کند و نظریه ای را می پروراند که فرایندهای و روابط تصادفی اصلی این نظام را روشن می کند. در عوض کینز مکرراً بر بنیان های روانشناسانه به عنوان مبنای کار خود تاکید می کند. نسبت به مباحث تاریخی در مورد نهادها، توسل او به عوامل روانشناسانه در مورد فرایندهای اقتصادی بسیار برجسته و آشکار است. کینز می کوشد تا یک نظریه عمومی را توسعه دهد که برای تعداد زیادی از نظامهای اجتماعی- اقتصادی قابلیت کاربرد داشته باشد. او این نظریه تعادل عمومی را که کلی و در عین حال دارای بنیان روانشناسانه است، بر می گزیند.

دیویدسن که کتاب کینز را به زبان آلمانی ترجمه کرده است در مقدمه این ترجمه به جمله ای از کینز اشاره می کند " این یکی از دلایلی است که من نظریه ام را نظریه تعادل عمومی نامیده ام، چرا که این نظریه نسبت به نظریه ارتدکس (کلاسیک) بر فروض کمتر محدود کننده ای بنا شده و همچنین به آسانی می تواند برای طیف وسیعی از نظام های اقتصادی مورد استفاده واقع شود."

دیویدسن (۲۰۰۴) مدعی است که تحلیل کینز نسبت به هر نظریه دیگری مستلزم فروض کمتر محدود کننده ای است. مطابق با آنچه کینز در مقدمه کتاب خود نوشته است نظریه عمومی وی نه تنها برای نظامهای انگلیسی- امریکایی یا همان نظام لسه فر بلکه برای کشورهای که دارای نظامهای اقتصادی ملی هستند مانند آلمان نازی نیز کاربرد دارد.

اما هاجسون معتقد است که کینز این بیانیه را با توجه به این موضوع مطرح می کند که نظریه وی بر پایه قوانین روانشناسانه مصرف و پس انداز قرار داشت. کینز به روشنی مدعی است که نظریه او بر مبنای نهادهای تاریخی ارائه نشده است. ادعای اصلی کینز این است که نظریه وی " بدین خاطر عمومی است که بر پایه قواعد روانشناسانه ای قرار دارد که در همه جا حاضر هستند" و به عبارتی این قواعد روانشناسانه جنبه جهانشمول دارند.

اما باز هم هاجسون می گوید که کینز به وعده خود برای ارائه نظریه ای جهانشمول عمل نمی کند. کینز تنها تعدادی بیانیه جهانی صادر می کند- مانند تاکید بر روانشناسی انسان. اما او نمی تواند نشان نمی دهد که گرایش های روانشناسانه در عمل چگونه کار میکنند. روانشناسی انسان بخشی از مرحله نهادی است و باید برای ساختارهای نهادی خاص به کار رود مانند بازارهای مالی و پول چاپ شده و قراردادهای قانونی. مشهورترین مبحث روانشناسی در فصل ۱۲ کتاب کینز نیازمند یک چارچوب نهادی خاص است همانند بازارهای سهام. دیگر فصول کتاب مانند تئوری پول و بهره کینز از عمومیت بیشتری برخوردار هستند، اگر چه این موارد نیز قابلیت جهانشمولی نداشته و برای همه جوامع قابل کاربرد نیستند و مرتباً به پدیده های خاص تاریخی ارجاع داده می شوند.

هاچسون معتقد است که نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول یک نظریه عمومی در خصوص ماهیت و سطح اشتغال در گذشته، حال یا آینده جوامع انسانی ارائه نمی کند. بلکه آنچه کینز تحلیل می کند روابط کاملاً خاصی در سرمایه داری مدرن میان اشتغال، انتظارات و تقاضای موثر است. به جای ارائه یک نظریه عمومی درست در مورد بهره یا پول، کینز (۱۹۳۶) یک نوع خاص از سرمایه داری را توصیف می کند که در آن "پول نوشیدنی است که سیستم را به حرکت وا می دارد". صدها سال است که پول وجود دارد اما تا ظهور سرمایه داری مدرن به عنوان کیمیای تولید مورد توجه قرار نگرفته بود. کینز از خطابه نظریه عمومی لذت برد اما همیشه از اکتشاف شرایط خاص نظام سرمایه داری معاصر سر باز زد. هاچسون معتقد است "کتاب کینز تنها برای سرمایه داری مدرن قابل کاربرد است و نه برای همه نظام های اقتصادی".